

نقش ائمه اطهار عليهم السلام

در حفظ قول و سیره نبوی

طیبه اسدی
قسمت دوم

چکیده

هدف نگارنده در این قسمت بررسی میزان انطباق سیره و سنت ائمه اطهار عليهم السلام با سیره نبوی است. واضح است که حفظ سیره نبوی توسط امامان معصوم عليهم السلام فقط با التزام عملی به سیره آن حضرت امکان پذیر است. مقاله حاضر در ارتباط با درس هشتم کتاب دین و زندگی ۲ است. امید آنکه مورد استفاده همکاران گروه معارف قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: عارف به سنت، منهج نبوی، پیروی از سنت، طرد بدعت

استان و تبعیت از سیره نبوی

گفته شد که قول و سیره پیامبر ص حجیت دارد و از اقدامات مهم امامان معصوم عليهم السلام حفظ قول و سیره پیامبر اسلام است و این امر با توجه به پشتوانه علمی امامان معصوم عليهم السلام امکان پذیر است. در این قسمت به ذکر نمونه‌هایی از سیره امامان معصوم عليهم السلام (امام اول تا امام نهم) در راستای حفظ سیره نبوی می‌پردازیم.

۱. التزام به سیره نبوی در حیات فکری، عقیدتی، اجتماعی و سیاسی

ابن عوف شرط کرده بود که اگر امام بپذیرد که به سیره شیخین عمل کند حاضر است خلافت را به او واگذار نماید و امام در جواب فرمود: «من تنها به سنت رسول خدا و اجتهاد خود عمل می‌کنم.»

خدا و رسول خدا را بپذیرد و به قبله نماز گزارد از تمامی حقوق بهره می‌برد و حدود اسلام در مورد او اجرا می‌شود و چون همه بندگان خدا هستند و مال نیز مال خداست به تساوی تقسیم خواهد شد و لذا مخالفت نخبگان امت شروع شد. از جمله زبیر نزد امام آمد و به امام علی علیه السلام گفت: «تو در کارها با ما مشورت نمی‌کنی و اشکال عمده تو آن است که مخالف با روش عمر هستی و سهم ما را مانند سهم دیگران که برای اسلام زحمت نکشیده‌اند قرار می‌دهی. امام فرمودند: وقتی حکمی در کتاب خدا آمده جای مشورت نیست البته اگر چیزی در کتاب خدا نیامده باشد با شما مشورت می‌کنم و در مورد تقسیم بیت‌المال باید بگویم که رسول خدا نیز این‌گونه عمل می‌کرد و کتاب خدا نیز این‌گونه دستور می‌دهد.» (همان: ۶۷)

امام در مورد کسانی که به روش ایشان اعتراض داشتند و به سنت عمر استناد می‌کردند می‌فرمود: «أَفَسُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ أَوْلَىٰ بِالْأَتْبَاعِ أَمْ بِسُنَّةِ عُمَرَ: آیا سنت رسول خدا برای پیروی سزاوارتر است یا سنت عمر؟» (همان: ۶۸)

امام میان اسیران آزاد شده (موالی)، که از نژادهای مختلف عرب، بربر، ایرانی، رومی بودند و شأن آنان از طبقه اعراب پایین‌تر بود، و سایر افراد جامعه کوچک‌ترین تفاوتی قائل نمی‌شدند. اگرچه خلیفه دوم دستور داده بود که بردگان نژاد عرب با بودجه بیت‌المال آزاد شوند. (همان: ۶۹)

از جمله مشکلات در سر راه امام انحرافات و تحریفات به وجود آمده بود که امام با آن‌ها درگیر می‌شد. یکی از مسائل پیش‌آمده آن بود که کسانی از صحابه و برخی از خلفا با وجود قرآن و سنت، براساس مصلحت‌گرایی احکامی را مطرح می‌کردند و نسبت به سنت نبوی بی‌اعتنا بودند. (همان: ۷۱)

به باور خلیفه دوم و سوم آنان حق داشتند در برخی امور خود تشریح ویژه داشته باشند و سنت را کنار بگذارند. مثلاً خواندن نماز کامل در سرزمین منی که توسط عثمان و برخلاف سنت خدا پایه‌ریزی شده بود و به مرور مسلمانان، افعال و اعمال خلفا را به صورت سنت شرعی می‌پذیرفتند. در یکی از سال‌ها عثمان در منی نمازش را کامل می‌خواند مریض شد. او از امام علی علیه السلام خواست تا به جای او نماز گزارد. امام

امام علی علیه السلام جلوه خاصی دارد. پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام در فرصت‌های متعدد، جهت احقاق حق خود یعنی به دست گرفتن منصب حکومت تلاش کردند. ایشان در جواب کسانی که حضرت را به حریص بودن بر حکومت متهم می‌کردند می‌فرمود: «يَا مَعْشَرَ قُرَيْشِ! إِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ مِنْكُمْ أَمَا كَانَ فِينَا مَنْ يَفْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَعْرِفُ السُّنَّةَ وَيَدِينُ بِدِينِ الْحَقِّ: ای قریشیان! ما اهل بیت به این امر سزاوارتر هستیم. آیا در میان ما، قاری قرآن و عارف به سنت و متدین به دین حق نیست؟» (حیات فکری امامان شیعه: ۵۸)

در زمان تشکیل شورای خلافت، امام حاضر به پذیرش شرط عبدالرحمن بن عوف نشد. ابن عوف شرط کرده بود که اگر امام بپذیرد که به سیره شیخین عمل کند حاضر است خلافت را به او واگذار نماید و امام در جواب فرمود: «من تنها به سنت رسول خدا و اجتهاد خود عمل می‌کنم.» (همان: ۵۹)

از دشواری‌های حکومت امام علی علیه السلام در زمانی که عهده‌دار خلافت شد، رعایت عدالت اقتصادی بود. خلیفه اول دیوان را براساس سوابق اسلامی افراد و ترکیب قبایل قرار داده بود و کسانی که از صحابه بوده و زودتر اسلام آورده بودند، سهم بیشتری از بیت‌المال دریافت می‌کردند و این وضعیت تا زمان عثمان ادامه داشت. این اموال عمومی شامل خمس غنائم، خراج و جزیه‌ای بود که از سرزمین‌های مفتوحه و به صورت سرانه گرفته می‌شد و متعلق به تمام مسلمانان بود اما در سیستم اقتصادی حکومت خلفای سابق، بهره‌مندی از این اموال طبقاتی شده بود. امام علی علیه السلام بیت‌المال را بالسویه تقسیم می‌کرد و می‌فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله این چنین عمل می‌کردند.

امام در نخستین سخنرانی خود سیاست مالی خویش را اعلام کردند و فرمودند: «إِنِّي حَامِلُكُمْ عَلَىٰ مَنْهَجِ نَبِيِّكُمْ: من به روش نبی و پیامبرتان عمل می‌کنم.» (همان: ۶۶)

امام علی علیه السلام تأکید داشتند انصار و مهاجرین، که در نگاه خلفا از سایرین برتر شمرده می‌شدند، امتیازشان یک امتیاز معنوی است و سابقه جهاد در اسلام و ... آنان دارای پاداش نزد خداوند است. اما هر کس که در دنیا دعوت

امام در نخستین سخنرانی خود سیاست مالی خویش را اعلام کردند و فرمودند: «إِنِّي حَامِلُكُمْ عَلَيَّ مِنْ رَوْشِ نَبِيِّ وَرَسُولِهِ»

فرمود من همانند پیامبر نماز می‌خوانم و عثمان تأکید کرد همان‌طور که من نماز می‌خوانم (کامل) بخوان و امام درخواست او را رد کرد. (همان: ۷۲)

خلیفه دوم به هنگام مرگ جمله‌ای گفت مبنی بر اینکه «جانشین تعیین نکردن سنت (پیامبر) و جانشین تعیین کردن سنت (ابوبکر) است.» (همان: ۷۲)

از نظر خلیفه دوم پیامبر برای خود جانشین تعیین نکرده و سنت او این چنین بوده اما ابوبکر برای خود جانشین تعیین کرده است و همان‌طور که سنت پیامبر ملاک است سنت ابوبکر هم ملاک و دستورالعمل است.

امام علی علیه السلام درباره سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «يَا كُنْتَ لِأَذِ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ: مِنْ بَرَى أَحَدِي سُنَّتِ رَسُولِ اللَّهِ خَدَا رَا رَهَا نَكْرَدَم.» (همان: ۷۱)

از سخنان آن حضرت است هنگامی که مردم از عثمان نزد حضرت شکایت بردند و حضرت ضمن نصیحت به عثمان فرمودند: «فَأَعْلَمُ أَنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ هُدَى وَ هَدَى فَأَقَامَ سُنَّةَ مَعْلُومَةٍ وَ أَمَاتَ بَدْعَةَ مَجْهُولَةٍ وَ إِنَّ السُّنْنَ لَنَبِيْرَةٍ، لَهَا أَعْلَامٌ وَ إِنَّ الْبَدْعَ لظَاهِرَةٌ لَهَا أَعْلَامٌ وَ إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ جَائِرٌ ضَلَّ وَ ضَلَّ بِهِ، فَأَمَاتَ سُنَّةَ مَأْخُوذَةٍ» (نهج البلاغه، خ ۱۶۴: ۲۱۰)؛ یعنی بدان که بهترین مردم نزد خداوند پیشوای دادگری است که خود راه یافته است و مردم راه هدایت می‌نماید. پس سنت شناخته شده را بر پا می‌دارد و بدعت ناشناخته را می‌میراند. سنت‌ها روشن و نشانه‌های مشخص و بدعت‌ها آشکار و علائم آن‌ها نیز مشخص است. بدترین مردم نزد خدا حاکم ستمگری است که خود گمراه است و مایه گمراهی دیگران نیز می‌شود و سنتی را که مردم فرا گرفته‌اند می‌میراند.

در این بخش از سخن حضرت که ذکر شد ویژگی امام و رهبر جامعه، اقامه سنت و از بین بردن بدعت مطرح شده و اینکه رهبران ستمکار در از بین رفتن سنت تلاش می‌کنند.

امام علی علیه السلام به شدت با بدعت و دور شدن از سنت مبارزه کرده‌اند و می‌فرمایند: «وَمَا أُحَدِّثُ بِدْعَةَ إِلَّا تَرِكُ بِهَا سُنَّةً فَاتَّقُوا الْبَدْعَ وَ الزُّمُّوا الْمَهْبَع. إِنَّ عَوَازِمَ الْأُمُورِ أَفْضَلُهَا وَ إِنَّ مُحَدِّثَاتِهَا شِرَارُهَا»

(نهج البلاغه، خ ۱۴۵: ۸۰) یعنی بدعتی را پدید نیاوردند مگر آن که سنتی را رها کرده‌اند. پس از بدعت‌ها بپرهیزید و در راه روشن گام گذارید، در امور آنچه دیرینه‌تر باشد برتر است و پدیده‌های تازه برخلاف حق بدترین هستند.

در خطبه دیگری امام دو نکته مهم توصیه می‌کند و می‌فرمایند: «أَمَّا وَصِيَّتِي فَاللَّهُ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله فَلَا تُضَيِّعُوا سُنَّتَهُ؛ یعنی سفارش من به شما آن است که هیچ‌گونه به خدا شرک نیاورید و سنت محمد را ضایع نکنید.» (نهج البلاغه، خ ۱۴۹: ۱۸۵)

در جای دیگر مخالفان و دشمنان را چنین معرفی می‌کند: «قَدْ خَاصُوا بِخَارِ الْفِتَنِ وَ أَخَذُوا بِالْبَدْعِ دُونَ السُّنَنِ؛ یعنی گروهی که به دریای فتنه‌ها فرو شدند و به جای سنت‌ها بدعت‌ها را گرفتند.» (نهج البلاغه، خ ۱۵۳: ۱۹۲)

امام در جای دیگر ضمن پرداختن به اندرز و پند و تبیین عظمت قرآن و نهی از بدعت فرمودند: «النَّاسُ رَجُلَانِ مُتَّبِعِ شَرْعَةٍ وَ مُتَّبِعِ بَدْعَةٍ لَيْسَ مَعَهُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ بَرَهَانٌ سُنَّةٌ وَ لَا ضِيَاءٌ حُجَّةٌ» (نهج البلاغه، خ ۱۷۵: ۲۲۸)؛ یعنی مردم دو دسته‌اند: یکی آن که از شریعت پیروی می‌کند و دیگری آن که در دین بدعت آورد در حالی که از سوی خدای پاک، نه از سنت، برهان و نه از حجت پر توی دارد.

رویه امام در اجرای دقیق سنت نبوی آن چنان بود که حضرت می‌کوشید تمام حرکات و رفتارهای شبیه به رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد. وقتی به حضرت علی علیه السلام اعتراض شد که چرا در مسجد غذای خوب به مردم می‌دهند و خود در خانه نان با سبوس می‌خورند، فرمودند: «به خدا سوگند هرگز در خانه پیامبر نان بدون سبوس ندیدم.» امام در پاسخ کسانی که به نوع غذا و لباس امام ایراد می‌گرفتند فرمود بیم آن دارم اگر کاری را که پیامبر انجام می‌داد انجام ندهم به او ملحق نشوم (حیات فکری امامان شیعه: ۸۱)

منابع

۱. نهج البلاغه
۲. جعفریان، رسول، حیات فکری امامان شیعه، قم، انصاریان (۱۳۸۶)